

رساله‌ای بر مدار طایفه‌کشی

بررسی و نقد کتاب روزهای انقلاب

● سجاد صداقت

دکترای علوم سیاسی

چکیده

هسته اصلی پژوهش مری هگلند در کتاب روزهای انقلاب استفاده از فرایند سیاسی «طایفه‌کشی» برای توضیح عمل سیاسی مردم روستای علی‌آباد بین سال‌های ۱۹۷۸-۱۹۷۹ است. کتاب تلاش می‌کند با استفاده از رویدادهایی چون اعتصاب و اصلاحات ارضی، به تفسیر واکنش مردم علی‌آباد در روزهای انقلاب بپردازد و قیام محلی پس از انقلاب را نیز در کنار همین رویکرد دسته‌بندی می‌کند. رویکردی که این کتاب اتخاذ کرده، این است که گرایش‌ها، جهان‌بینی‌ها، ارزش‌ها، انتظارات و پیچیدگی‌های رفتاری مردم در قبال سیاست برخاسته از شرایط واقعی، آن‌چنان که به چشم آن‌ها می‌آید، است و واکنشی منطقی است به این شرایط، درست شبیه دلایل فهم‌پذیری که براساس آن‌ها مردم مسیری را برمی‌گزینند تا به‌جای دیگری برسند و در همین حال آن مسیر را می‌سازند. سپس این مجموعه ارزش‌ها، انتظارات و رفتارها بر ارزیابی‌ها تأثیر می‌گذارد و اتفاقات جاری را کانالیزه می‌کند. همه این‌ها با هم می‌تواند پارادایم‌های فرایندی نامیده شود: الگوهایی فرهنگی برای رفتارهایی که در جامعه رایج است. این الگوها در خدمت انتقال و نظم‌دادن به رفتارهای مربوط به موقعیت‌ها و وقایع کنونی است؛ و نتیجه‌اش فرایندی نمونه‌وار است. بدین ترتیب، وقایع جاری در پرتو پارادایم‌های فرایندی موجود تفسیر می‌شوند.

واژه‌های کلیدی:

طایفه، طایفه‌کشی، انقلاب، اصلاحات ارضی، فرایند سیاسی، زنان



■ هگلند، مری (۱۳۹۷). روزهای انقلاب: چطور زنان یک روستا در ایران انقلابی شدند؟، ترجمه میترا دانشپور. تهران: ترجمان علوم انسانی
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۹۱-۴۴-۸

فصلنامه نقدکتاب

علم‌اندیشا

سال دوم، شماره ۵
بهار ۱۳۹۸

۱۸

مقدمه

تاریخ معاصر ایران در طول سال‌های اخیر دستمایه پژوهش‌های بسیاری نزد پژوهشگران غربی بوده است. این بخش از تاریخ ایران یکی از آن موضوعاتی است که نه تنها توجه بسیاری از محققان ایرانی را به خود جلب کرده بلکه شرایطی را به وجود آورده که بسیاری از پژوهشگران در حوزه‌های مختلف علوم انسانی به ایران و تاریخ معاصر آن از زاویه‌های گوناگونی توجه نشان دهند. بخش مهمی از این پژوهشگران - فارغ از داشتن اصالت ایرانی یا نه - امروز در دانشگاه‌های مهم دنیا بر روی تاریخ معاصر ایران کار می‌کنند و این امر باعث شده به خصوص در ده‌های اخیر کتاب‌های زیادی درباره مسیر رویدادها در ایران منتشر شود که هر یک از آن‌ها در زمینه تخصصی خود بخشی از اتفاقات و حوادث را مورد بررسی قرار داده است. «ایران» یکی از آن پروژه‌هایی است که همواره جذابیت زیادی برای محققان و پژوهشگران غربی داشته و همواره بحث درباره ایران و تاریخ آن یکی از مهم‌ترین بحث‌هایی بوده که تحقیقات دانشگاه‌های مهم دنیا را به خود اختصاص داده است. شاید یکی از دلایل اهمیت ایران و به‌طور ویژه تاریخ معاصر آن به این امر بازگردد که در طول سده‌های اخیر اتفاقات بی‌شماری در آن رخ داده که هر یک می‌توانسته دستمایه بحث‌ها و مباحث فراوانی باشد. از سوی دیگر نقش دولت‌های خارجی در تاریخ معاصر ایران و تأثیرگذاری آن‌ها بر روی رویدادها نیز باعث شده است که این امر جنبه‌های مختلفی برای بررسی داشته باشد.

ضرورت بررسی تاریخ معاصر ایران به حدی بوده که پژوهشگران از جنبه‌های مختلفی به آن نظر کنند. به این ترتیب می‌توان درباره بخش

مهمی از نویسندگان و محققان حرف زد که زاویه‌های متفاوتی را برای بحث‌های خود انتخاب کرده‌اند. سیاست، اقتصاد، فرهنگ و... هر یک موضوعاتی بوده‌اند که در طول سال‌های اخیر در پژوهش‌های فراوانی که درباره تاریخ معاصر ایران منتشر شده، در مرکز بحث‌ها قرار داشته‌است. از سوی دیگر یکی از مهم‌ترین دسته نوشته‌ها درباره ایران به سفرنامه‌ها و سرگذشت‌های غیرایرانی‌بازمی‌گردد که بخشی از خاطرات آن روزهای خود را روایت کرده و در آن کوشیده‌اند بخشی از اهداف خود در ایران را شرح دهند. کتاب‌های بسیاری در این زمینه‌ها منتشر شده که شاید ذکر هر یک از آن‌ها از حوصله این مقاله خارج باشد اما نشان می‌دهد که همواره ایران مرکز توجه بوده و بررسی تاریخ آن نیز از جنبه‌های مختلفی مورد توجه قرار داشته‌است.

اما شاید آن قدر که به مقولاتی چون اقتصاد، سیاست و فرهنگ در تاریخ معاصر ایران پرداخته شده و حتی مسائلی چون نقش زنان در طول یک دوره تاریخی مورد توجه قرار گرفته، تاریخ ایران از دیدگاه انسان‌شناسی مورد توجه قرار نگرفته باشد. هر چند که می‌توان پژوهش‌هایی چون کتاب بهداشت و درمان در ایران نوشته اگنس لوفلر (Loeffler, ۲۰۱۳) و آثاری چون مالک و زارع در ایران (Lambton, ۱۹۶۹a) و اصلاحات ارضی در ایران (Lambton, ۱۹۶۹b) نوشته آن لمبتون و خانواده‌های هسته‌ای و گروه‌های خویشاوندی در ایران نوشته جمشید بهنام (Behnam, ۱۹۷۱) را نام برد که درباره ایران از زاویه متفاوتی و با دیدگاهی مردم‌شناسانه و انسان‌شناسانه مباحثی را مطرح کرده‌اند.

در این میان شاید اثری که فارغ از خاطره‌نویسی و روایت مستقیم حضور یک پژوهشگر در ایران به بحث درباره ایران از دیدگاه انسان‌شناسی سیاسی^۱ پردازد، اتفاقی ویژه باشد. روزهای انقلاب یک اثر انسان‌شناسانه است که با تکیه بر آنچه در عرصه سیاسی رخ داده، می‌تواند تصویری تازه از فرایندهای یک روستا با توجه به آنچه از گذشته تا سال‌های ابتدایی قرن بیست و یکم در آن اتفاق افتاده، به دست دهد. به این ترتیب خواننده با اثری روبرو خواهد بود که بحثی تازه درباره ایران را به او ارائه می‌دهد با تکیه بر یک جامعه روستایی. جامعه‌ای که به معنای واقعی کلمه اتفاقات در آن و تفسیر نویسنده با تکیه بر «طایفه‌کشی» نتایجی متفاوت را مطرح می‌کند.

1. Political anthropology

معرفی اثر و نویسنده

مری الین هگلند استاد انسان‌شناسی در دانشگاه سانتاکلارا ایالت کالیفرنیا در ایالات متحده است. او تنها پژوهشگر آمریکایی در ایران بود که در طول انقلاب اسلامی تحقیقات میدانی انجام داد و یکی از معدود افرادی بود که در ۳۰ سال اخیر توانسته به ایران بازگردد و تحقیقات خود را ادامه دهد. مری هگلند در تابستان ۱۳۵۶، بی‌خبر از تحولات مهمی که کل ایران را زیر و زبر می‌ساخت، پا به روستایی کوچک در حوالی شیراز گذاشت. او ۱۸ ماه در ایران ماند و تنها پژوهشگر آمریکایی‌ای بود که از نزدیک انقلاب اسلامی را مشاهده کرد. روزهای انقلاب روایت تجربه‌های روزمره هگلند در این روستاست که نشان می‌دهد چگونه مردمی عادی و دور از سیاست پا به جریان انقلاب گذاشتند و در خلال ماجراهای انقلاب و پس از آن متحول شدند. بخش انتهایی کتاب هگلند درباره دیدار دوباره او از ایران، پس از گذشت چند دهه از انقلاب، در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ است. فارغ از این ۱۸ ماه پرتلاطم و پژوهش هگلند در روستای «علی آباد»، او اولین بار بین سال‌های ۱۹۶۶ تا ۱۹۶۸ به‌عنوان معلم انگلیسی دبیرستان در سپاه صلح در شمال غربی ایران خدمت کرده و آن‌قدر توانایی داشته که در همان سال ۱۹۶۶ «فارسی حرف زدن» (ص. ۲۵) را بیاموزد. پس از این سفر دو ساله او چند بار دیگر هم بین سال‌های ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۲ و تابستان‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۷۷ به ایران سفر کرده و به‌نظر می‌رسد به‌تدریج ایران و مسائل آن به یکی از دغدغه‌های جدی این پژوهشگر آمریکایی تبدیل می‌شود. این دغدغه به‌حدی جدی است که حتی پیش‌بینی انقلاب در ایران را نیز شامل شده‌است: «سرکوبی و خشونت دولت محمدرضاشاه پهلوی با کردها، صحبت با دانشمندان اجتماعی ایران که از شکنجه و نبود آزادی اندیشه رنج می‌بردند، و مشاهدات و مکالماتم در طول بازدیدهایم از ایران ... و نیز تماسم با ایرانیان در آمریکا باعث شده بود که پیش‌بینی‌ام این باشد که روزی انقلاب خواهد شد، اما نه به این زودی.» (ص. ۲۴-۲۵)

حوزه اصلی مطالعات و کارهای هگلند بر روی خاورمیانه و جنوب آسیا و پژوهش بر روی کشورهای ایران، ترکیه، پاکستان، تاجیکستان و افغانستان است. یکی از ویژگی‌های مطالعاتی هگلند این است که در میان ایرانیان حاضر در کالیفرنیا پروژه تحقیقی خود را درباره ایران و خاورمیانه ادامه داده‌است. هگلند مقالات و کارهای تحقیقی زیادی را تاکنون منتشر کرده اما تنها کتاب مستقل او روزهای انقلاب است. بخش زیادی از دیگر آثار او نیز با تکیه بر همین کار میدانی در روزهای پیش و پس از انقلاب

در روستای «علی‌آباد» بوده‌است. هگلند که بخش اعظم پروژه خود را بر روی انقلاب ایران، زنان و جنسیت در دین و سیاست در ایران، تغییر و تداوم در یک روستای ایرانی قرار داده، در سال‌های اخیر پروژه‌هایی چون زنان و جنسیت در آیین‌های شیعه پاکستان را نیز بررسی کرده‌است. در حال حاضر دکتر هگلند در مورد پیری و سالخوردگی در ایران و در میان آمریکایی‌های ایرانی در منطقه خلیج سانفرانسیسکو در کالیفرنیا تحقیق می‌کند. او همچنین قصد دارد تا زنان و سلسله‌مراتب جنسیتی و خانواده و پویایی مربوط به پیری و سالخوردگی در تاجیکستان را نیز مطالعه کند. روزهای انقلاب؛ چطور زنان یک روستا در ایران انقلابی شدند نوشته مری هگلند با ترجمه میترا دانشور از سوی انتشارات ترجمان روانه بازار کتاب شده‌است. این کتاب شامل پیشگفتار، مقدمه و هفت فصل است و نویسنده در آن می‌کوشد فرایندهای سیاسی و انسان‌شناسانه‌ای را که منجر به ناآرامی سیاسی در یک روستای ایرانی شد به‌تصویر بکشد. هگلند در پیشگفتار خود که آن را با عنوان «تحقیق درباره یک انقلاب: ۱۹۷۸-۱۹۷۹» نگارش کرده به‌بحث درباره چرایی حضورش در ایران و کاری که قرار بوده در این کشور انجام دهد می‌پردازد و چنین می‌نویسد: «زمانی که در ژوئن ۱۹۷۸ به ایران پرواز کردم، نمی‌دانستم تحقیقی میدانی درباره یک انقلاب انجام خواهم داد. مطالعه من در اصل قرار بود درباره سیستم‌های اعتبار کشاورزی در بخش روستایی ایران باشد، تا فرایندهای تغییر در روابط اجتماعی و سیاسی و اقتصادی را در یک روستای ایرانی روشن کند.» (ص. ۱۷). هگلند در این پیشگفتار توضیح می‌دهد چرا روستای علی‌آباد در نزدیکی شیراز برای پژوهش خود انتخاب کرده‌است: «چون می‌خواستم تحقیقم را در روستایی در قلب روابط در حال تغییر اقتصادی انجام بدهم، امیدوار بودم که در یک آبادی کوچک‌تر و پرت‌تر زندگی کنم، اما معلوم شد که علی‌آباد، با تاریخچه اهمیت سیاسی‌اش و درگیری‌ها و فعالیت بسیاری از ساکنانش در طول دوران انقلاب، مکانی مناسب است. علی‌آباد روستایی با حدود ۳۰۰۰ نفر جمعیت در آن زمان بود، جمعیتی دائماً در حال تغییر، چون بعضی روستایی‌ها آن‌جا را ترک می‌کردند و بقیه برمی‌گشتند.» (ص. ۱۹). روستایی که به‌دلیل نزدیکی به شیراز امکاناتی دارد که در میان روستاهای دیگر ایران خاص است و آن‌گونه که هگلند گزارش می‌دهد از سوی دولت ملی انتخاب شده بود تا یک روستای نمونه باشد. این پیشگفتار بیشترین حجمی از کتاب را تشکیل می‌دهد که هگلند درباره نوع زندگی خود در طول ۱۸ ماه حضور

در روستا گزارش داده، چراکه در سایر بخش‌های کتاب پژوهشگر آمریکایی خود را از میانه مناسبات حذف کرده و بیشتر تلاش می‌کند گزارشی از اتفاقات ارائه دهد. هگلند در این بخش توضیح می‌دهد که در سه ماهه ابتدایی حضورش در روستا مشغول کار بر روی پروژه اصلی خود بوده است: «در طول دو یا سه ماه اول حضورم در علی‌آباد، طرح‌های تحقیقاتی اصلی‌ام را دنبال کردم، و با مردم درباره تاریخچه سیاسی و اقتصادی روستا مصاحبه می‌کردم و چیزهایی درباره سازمان سیاسی و اقتصادی آن زمان، بخش‌های درون روستا، افرادی که از نظر سیاسی قدرت داشتند، و روابط سیاسی و اجتماعی با افراد بیرون از روستا متوجه می‌شدم. به سراغ مردانی می‌رفتم که در باغ‌ها، تاکستان‌ها و مزارع گندم کار می‌کردند، و هم به کشاورزی توجه می‌کردند و هم به تجارت.» (ص. ۲۳) اما وضعیت در ایران در حال تغییر بود و پژوهش میدانی یک پژوهشگر خارجی نیز لاجرم باید تغییر کند: «... حدود اکتبر ۱۹۷۹، دیگر نمی‌شد از درگیر شدن با وضعیت انقلابی اجتناب کرد.» (ص. ۲۴). هگلند در این پیشگفتار درباره سختی کار خود به‌عنوان یک آمریکایی در روزهای انقلاب و پس از آن حرف می‌زند و توضیحاتی نیز درباره چگونگی تهیه مصاحبه‌ها و به‌دست‌آوردن اطلاعات را مطرح می‌کند. نکته مهم درباره کاری که هگلند انجام داده این است که اسامی استفاده‌شده برای روستاییان و نیز برای محل کار میدانی و روستاهای اطراف آن در کتاب به‌شکل مستعار آمده، هرچند که گزارش هگلند تلاش کرده است تا همه روایت را مطرح کند. برای ساده‌تر شدن خوانش کتاب، در انتهای پیشگفتار «فهرست اسامی شخصیت‌ها» و «گاه‌شماری وقایع مهم» نیز آمده است.

در بخش مقدمه نویسنده تلاش می‌کند تا آن‌چه درباره انقلاب در علی‌آباد اتفاق افتاده را با ذکر خاطرات مربوط به آن روزها، توضیح دهد. او اشاره می‌کند که «یکی از تبیین‌های رایج برای انقلاب ۱۹۷۹ ایران این بود که «مدرن‌سازی» به‌قدری سریع پیش رفت که مردم علیه تغییرات مرتبط با مدرن‌سازی واکنش نشان دادند.» (ص. ۴۹) و در ادامه با نظر به این تبیین‌ها تلاش می‌کند قضاوت متفاوت خود را درباره ارتباط بین مدرن‌سازی و انقلاب ارائه دهد: «هنگامی که از نزدیک با افراد کار می‌کردم، به‌سادگی می‌شد دید که چطور پویایی تغییرات اقتصادی و سیاسی به تصمیم مردم، برای پیوستن به جنبش انقلابی، ربط داشت. من متوجه شدم که مردم به اندازه‌ای که علیه مدرن‌سازی ناکارآمد یا ناعادلانه واکنش نشان می‌دادند نسبت به خود مدرن‌سازی حساس نبودند.

چرا ایرانی‌های دیگری که ثروتمندتر بودند نسبت به آن‌ها سهم بیشتری داشتند؟ مدرن‌سازی غیرمنصفانه خشم را شعله‌ور کرد.» (ص. ۵۰). او در ادامه تکیه پژوهش خود را بر روی علی‌آباد قرار می‌دهد و دربارهٔ روزهای انقلاب در این روستا می‌نویسند: «در علی‌آباد، به‌علت نبود مدرن‌سازی سیاسی و بنابراین کمبود دانش دربارهٔ راه‌های جایگزین در رسیدن به پیشرفت سیاسی، روستاییان به طایفه‌کشی محلی خود برگشتند.» هگلند «طایفه‌کشی» را به‌عنوان کانون مرکزی بحث خود چنین تعریف می‌کند: «رقابت سیاسی و درگیری میان دارودسته‌های خویشاوندمحور» (ص. ۵۱-۵۲) و آن را الگوی سیاسی در فرایند انقلاب ۱۹۷۸-۱۹۷۹ در علی‌آباد مطرح می‌کند. نویسنده در توضیح شیوه کار خود نیز در این فصل توضیح می‌دهد: «من مدیون توجهم به تاریخچه روستا و ماهیت کل‌نگر انسان‌شناسی هستم ... که از تمایل افراد به عضویت در طایفه و توازن قدرت آگاه شدم و آموختم که طایفه‌کشی چطور عمل می‌کند. بعدها، وقتی مردم علی‌آباد درگیر جنبش انقلابی و بعدتر شورش در سطح روستا شدند، واژگان، مفاهیم، انتظارات و فرایند طایفه در روستا اهمیت یافت.» (ص. ۵۷-۵۸). نویسنده تأکید می‌کند که در طول دوره انقلاب شاهد مرحله‌ای از تغییر قدرت در علی‌آباد بوده که قدم‌به‌قدم، پیرو ویژگی‌های طایفه‌کشی در تاریخ کشمکش‌های روستا بود و چنین نتیجه می‌گیرد: «فرایند انقلاب در سطح ملی نیز با چنین مراحل تطبیق داشت.» (ص. ۵۹). هگلند تلاش می‌کند در این مقدمه به‌مثابه فصلی که مبانی نظری کار خود را توضیح داده، فرایند سیاسی طایفه‌کشی را تبیین کند. نویسنده این فرایند سیاسی را در هشت مرحله توضیح می‌دهد و طایفه‌کشی را الگویی فرهنگی برای فرایند سیاسی می‌داند.

فصل اول کتاب با عنوان «علی‌آباد تاریخی» نوشته شده‌است و نویسنده در آن تلاش می‌کند تا تصویری ملموس از فضای علی‌آباد و شکل زندگی مردم و مناسبات آنان با یکدیگر ارائه دهد. در این فصل هگلند کوشیده‌است ضمن بیان برخی از مناسکی که در جای‌جای ایران می‌توان مدل‌هایی چون آن را بازگو کرد، از شکل‌گیری طایفه براساس پیوندهای خانوادگی و ساختار سلسله‌مراتبی طایفه سخن گوید. نویسنده تاریخ کاملی از روستای علی‌آباد، ارباب و مالک آن و وضعیت زمان حضور خود در این روستا در سال‌های ۱۹۷۸-۱۹۷۹ ارائه می‌دهد. در کنار این توضیحات نیز تلاش می‌کند نشان دهد رهبران سیاسی در علی‌آباد چگونه تلاش می‌کردند تا وفاداری سیاسی در پیروانشان را با اشاره به

خویشاوندی و روابط ناشی از ازدواج، هویت مشترک سید، تبعیت متقابل به روابط همسایگی در شیعه، وفاداری‌های سابق، و وظیفه در قبال معاشرت یا مرحمت‌های انجام شده حفظ کنند (ص. ۹۴). هگلند از طریق تاریخ شفاهی، کار میدانی انسان‌شناختی و مشورت با چندین تحلیل‌گر سیاسی با استعداد در علی‌آباد، فهمی از این‌که نظام سیاسی طایفه‌کشی چگونه عمل می‌کرد به‌دست می‌آورد و تأکید می‌کند که این فرایند هم فعالیت‌های مردان و هم فعالیت‌های زنان را دربر می‌گرفت (ص. ۱۲۵). به‌این ترتیب او پل محکمی به‌بحث درباره نقش زنان در فصل‌های مختلف کتاب می‌زند و نقش آنان را به‌شکل پرنرنگی توضیح می‌دهد. فصل دوم کتاب «سرکوب سیاسی» نام دارد و هگلند در این فصل به توضیح آن‌چه در فرایند تاریخی و در مناسبات مربوط به کشاورزی و زمین بر علی‌آباد گذشته‌است، بیان می‌کند. هر چند که هگلند در پایان فصل اول توضیح داده که به‌مدت ۱۴ سال، تا پیش از سال ۱۹۷۸، فرایند سیاسی طایفه‌کشی در علی‌آباد وجود نداشت، در این فصل تلاش می‌کند تا علل آن را توضیح دهد. هگلند توضیح می‌دهد در فاصله سال‌های ۱۹۵۳ تا ۱۹۶۲ و با قدرت‌گرفتن محمدرضا پهلوی پس از کودتای ۲۸ مرداد، سیاست دولت از حکمرانی غیرمستقیم - بازی رقبای قدرتمند در مقابل یکدیگر و اساساً - اجازه‌دادن به مردم برای انتخاب حکمرانان محلی خود، به استفاده از قدرت دولت مرکزی برای تقویت حکومت نمایندگان محلی دولت تغییر کرد. او در ادامه با اشاره به سه درگیری - سال ۱۹۵۳ بر سر نخست‌وزیر مصدق، اعتصاب رعایا در همان دوره و کشمکش اصلاحات ارضی در سال ۱۹۶۲ و بعد از آن - در تاریخ متأخر علی‌آباد، این سه درگیری را عاملی برای از حرکت ایستادن فرایند سیاسی طایفه‌کشی می‌داند (ص. ۱۲۸). در این دوره است که به گزارش هگلند طایفه «عسکری» قدرت فراوانی به‌دست می‌آورد و به‌دلیل مداخله مکرر ژاندارم‌ها و مأموران رده بالاتر حکومتی از طرف عسکری‌ها، روستاییان کم‌کم توجه و سرزنش خود را معطوف حکومت مرکزی می‌کنند. به این ترتیب فرایند سیاسی طایفه‌کشی به بن‌بست کاملی می‌رسد.

فصل سوم کتاب به «دگرگونی اقتصادی و فضای سیاسی» پس از اصلاحات ارضی و کشمکش‌های آن در علی‌آباد می‌پردازد. فضایی که به نوشته هگلند روستاییان فهمیدند که دیگر نمی‌توانند حمایت خود را به‌سوی مدعی دیگری برای ریاست روستا تغییر دهند که شاید مسئولیت‌پذیرتر باشد و قدرت «عسکری‌ها» به‌واسطه دسترسی به

بوروکراسی و زور دولتی باعث شد که شرایط تازه‌ای در علی‌آباد به وجود آید. تغییر شرایط در روستا باعث شد که کشاورزی و تجارت سنتی نیز دچار تغییر شود. هگلند می‌نویسد اما تغییرات پس از اصلاحات ارضی با تغییرات دیگری در کشور نیز همراه بود و دگرگونی اقتصادی با ایجاد فرصت‌های شغلی جدید در بیرون از علی‌آباد، بسیاری از روستاییان را از چنگ نظام سیاسی تحت کنترل عسکری‌ها رها ساخت. هگلند در این فصل توضیح می‌دهد که در طول سال‌های ۱۹۶۲ تا ۱۹۷۸ چگونه مردان مرفه روستا، رسماً قدرت اقتصادی و سیاسی را بعد از اصلاحات ارضی تصاحب کردند و سازوکاری که آنان به کار گرفتند چگونه منجر به افول بخش کشاورزی، کمبود زمین کشاورزی، کمبود آب، کمبود سرمایه و وام و کمبود نیروی انسانی در علی‌آباد شد. هگلند با یک گزارش میدانی و آمار دقیق نشان می‌دهد در طی دو یا سه دهه چگونه وابستگی تعداد زیادی از مردان علی‌آباد از نظر اقتصادی به ارباب از بین رفت و سه‌چهارم مردان روستا در خارج از حوزه نفوذ رؤسای روستا مشغول به کار شدند.

فصل چهارم کتاب با عنوان «عضوگیری برای انقلاب» شرح کاملی از چگونگی رویارویی مردم علی‌آباد با حکومت مرکزی و حمایت از انقلاب است. این فصل از آن رو اهمیت دارد چون نشان می‌دهد اهالی روستا که به گفته هگلند با توجه به اتفاقات انقلابی در شهرهای ایران، انگیزه کافی برای حمایت از جنبش نداشتند، چگونه تبدیل به طرفداران جنبش شدند. هگلند ضمن شرح کامل دو واقعه «سنگ‌اندازی» به اتوبوسی که برای تشییع جنازه یکی از انقلابیون به اردکان می‌رفته در راه علی‌آباد و «چاقو خوردن کوروش امینی»، این دو حادثه را نقطه عطف جنبش مقاومتی در علی‌آباد می‌داند. حوادثی که به نوشته هگلند به بازسازی همه ویژگی‌های فرایند سیاسی طایفه‌کشی می‌انجامد. نویسنده در پایان این فصل چنین نتیجه می‌گیرد: «اکثر روستاییان، تنها بعد از اقدامات سنگدلانه حکومت بر ضد کاروان عزاداران و سپس چاقو خوردن کوروش، به فعالان انقلابی تبدیل شدند. به جای این که ایدئولوژی و نمادهای شیعه، محرک فعالیت‌های انقلابی روستاییان باشد، اکثر افراد چارچوب انقلابی شیعه را بعد از این پذیرفتند که تصمیم گرفتند تا براساس فرهنگ طایفه‌کشی، و بر مبنای تحلیل و انتظاراتی که از جنب‌وجوش‌های سیاسی و رهبران سیاسی داشتند، به طرف نیروهای انقلاب ملحق شوند.» (ص. ۱۷۹).

فصل پنجم کتاب «ماه‌های آخر» نام دارد و شرح کاملی از ماه‌های منجر به انقلاب است. تمرکز کتاب در این فصل بر روی رویدادهایی است

که توسط مردم علی‌آباد تا رسیدن به انقلاب انجام شده‌است. یکی از ویژگی‌های این فصل پرداختن به نقش زنان علی‌آباد در انقلاب است. هگلند معتقد است بی‌عدالتی، رفتار منجرکننده یا خشونت‌ی که عوامل حکومت بر ضد ایرانیان دیگر اعمال می‌کردند احساسات و نگرش‌های مشابهی هم در زنان و هم در مردان به‌وجود آورده بود و اشاره می‌کند که زنان علی‌آبادی بیرون از روستا کار نمی‌کردند و زندگی‌های محدودتری نسبت به مردان داشتند و در مقایسه با مردان، زنان کمتری در انقلاب فعال بودند اما فعالیت‌های افرادی که درگیر بودند، نشان از شباهت‌های قابل‌توجه با مردان داشت (ص. ۲۸۸). نویسنده در این فصل شرح کاملی از نقش زنان و گروه‌هایی که در روستا تشکیل دادند روایت می‌کند. هگلند معتقد است این زنان بودند که تظاهرات شبانه‌منظم را در علی‌آباد راه انداختند و مردان روستا وقتی دیدند که این کار نتیجه‌خطرناکی ندارد، کم‌کم به آن ملحق شدند و راهپیمایی‌ها را تصاحب کردند (ص. ۳۲۰). همچنین حضور مردم و نویسنده در فرایند تظاهرات‌هایی که در شیراز برگزار می‌شود از دیگر مسائل موجود در این فصل است. کتاب با دقت فراوانی سعی می‌کند در صفحات آخر این فصل، هشت ویژگی فرایند طایفه‌کشی را در حضور مردم علی‌آباد در انقلاب الگوسازی کند. هگلند معتقد است همانند طایفه‌کشی‌های سابق، اکثر علی‌آبادی‌ها از فرایند انقلابی انتظار داشتند کارکنان را تغییر دهد و رهبری را بیاورد که منصف‌تر باشد و از آن‌ها محافظت کند و نیازهایشان را برآورده سازد. او تأکید می‌کند علی‌رغم پیشرفت اقتصادی و مدرن‌سازی (گزینشی)، اکثر مردم علی‌آباد، فرهنگ سیاسی و جایگزین‌های سیاسی دیگری جز الگوی طایفه‌کشی نداشتند و اکثر روستاییان ادراکات، تحلیل، تصمیم‌گیری و عمل طایفه‌کشی را در درگیری نیروهای شاه - انقلابی در سطح ملی به‌کار بردند. با همه این اوصاف از نظر نویسنده مشارکت سیاسی انقلابی علی‌آبادی‌ها در ۱۹۷۸-۱۹۷۹، هم برای مردان و هم برای زنان، نسبت به سیاست‌های طایفه‌کشی سابق، دو تغییر اصلی داشت: مکان فعالیت‌شان که شیراز و نیز علی‌آباد بود و مرکز توجه‌شان که از سیاست محلی به سیاست ملی تغییر یافته بود (ص. ۳۴۲-۳۴۳).

فصل ششم کتاب به‌بحث درباره‌ اتفاقات «بعد از انقلاب» اختصاص دارد. اتفاقاتی که منجر به قیام محلی علیه طایفه‌عسکری و آن‌گونه که نویسنده ادعا می‌کند یک طایفه‌کشی دوباره می‌انجامد. هگلند معتقد است حتی بعد از این دو آزمون قدرت، اکثر روستاییان هنوز از عسکری‌ها می‌ترسیدند. به‌همین دلیل فعالان روستا برای توسل به مقامات سیاسی

جدید مسلمان شیعه و انگیزه دادن به روستاییان برای اقدام علیه سرآمدان سیاسی محلی، فعالان محلی قیام سیاسی و بیزاری طولانی‌مدت خود نسبت به عسکری‌ها را در پوشش تفسیر جدید انقلابی از اسلام شیعه مطرح کردند. فعالان محلی با هدف جذب حمایت هم در سطح روستا و هم در شیراز، شروع به اجرای چارچوب‌ها و شبیه‌سازی اسلامی به‌کاررفته در درگیری ضدشاه برای درگیری با عسکری‌ها کردند (ص. ۳۵۷). نویسنده معتقد است مردم به این دلیل توانستند فرهنگ سیاسی، عادات و پارادایم فرایندی طایفه‌کشی را در طول قیام تابستان و پاییز ۱۹۷۹ بر ضد عسکری‌ها به‌کار برند زیرا هنوز ایران از نبود یک حکومت مقتدر رنج می‌برد. نویسنده در این فصل قیام محلی مردم را نیز با ویژگی‌های طایفه‌کشی به‌آزمون می‌گذارد و نتایج مختلفی را نیز به‌دست می‌دهد. در فصل آخر کتاب که «علی‌آباد: سی‌وچهار سال بعد» نام دارد داستان سفر دوباره نویسنده به ایران بین سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۸ است. تغییرات فراوان علی‌آباد باعث می‌شود که هگلند تصویر تازه‌ای روستا را هم‌مطراز با تغییراتی که در جامعه ایرانی انجام‌شده به مخاطب خود گزارش کند. در این فصل نیز او نقطه کانونی پروژه خود یعنی طایفه‌کشی را دنبال می‌کند و می‌نویسد: «این روزها از طایفه‌کشی برای رسیدگی به دغدغه‌های ساکنان علی‌آباد استفاده نمی‌شود. اگرچه، وقتی حکومت مرکزی و ژاندارم‌ها در طول آشوب انقلاب کنترلشان را از دست دادند، طایفه‌کشی دوباره به جریان افتاد، با ظهور مجدد کنترل حکومت مرکزی و نابودی پایه اقتصادی طایفه‌کشی، زور و فرایند طایفه‌کشی دیگر اثری ندارد. بسیاری از جنبه‌های فرهنگ طایفه‌کشی دارند اهمیتشان را از دست می‌دهند.» (ص. ۴۲۶). نویسنده معتقد است که فرهنگ طایفه‌کشی در حال از بین رفتن است و فرهنگ شهری جایگزین آن می‌شود (ص. ۴۲۹).

بررسی و نقد شکلی اثر

در نقد و بررسی شکلی کتاب روزهای انقلاب؛ چطور زنان یک روستا در ایران انقلابی شدند می‌توان آن را در زمره آثار موفق سال‌های اخیر قرار داد. کتاب با توجه به این‌که حاصل یک پروژه تحقیقاتی است به‌خوبی فصل‌بندی شده و حجم صفحات هر فصل نیز با توجه به حجم کتاب مناسب است. متن کتاب - بدون پی‌نوشت‌ها و منابع - ۴۴۵ صفحه است و با توجه به این‌که پیشگفتار و مقدمه هر کدام حدود ۳۰ صفحه را دربرگرفته، بقیه فصل‌های کتاب به‌طور میانگین ۵۰ تا ۶۰ صفحه را شامل می‌شود.

کتاب روزهای انقلاب را از نظر ترجمه و ویراستاری می‌توان در زمره آثار خوبی دانست که روانه بازار نشر شده‌است. ترجمه میترا دانشور در خواندن روان‌تر کتاب به خواننده کمک زیادی کرده‌است. مترجم تمام تلاش خود را به کار گرفته تا اصطلاحاتی به کار ببرد که برای خواننده فارسی‌زبان مناسب باشد و اتفاقاً انتخاب کلمات تخصصی نیز به خوبی انجام شده‌است. با توجه به این که نویسنده تلاش کرده در بخش‌هایی از کتاب، اصطلاحات تخصصی مربوط به کشاورزی در دهه‌های پیش و پس از اصلاحات ارضی را توضیح دهد، به نظر می‌رسد که این موضوع برای مترجم در ترجمه روان فارسی این اصطلاحات چندان دست‌وپاگیر نبوده‌است. از سوی دیگر ویراستاری متن کتاب نیز به شکل خوبی انجام شده‌است. استفاده از علائم دستوری در زمان مناسب و تأکید بر استفاده درست از آن‌ها باعث روان‌تر شدن متن شده‌است. یکی از معهود اشتباهاتی که در امر ویراستاری شاید بتوان در کتاب پیدا کرد، جمله‌ای در صفحه ۴۲۹ کتاب است که به نظر می‌رسد در ویراستاری نهایی دقت لازم به آن نشده‌است: «بسیاری از جنبه‌های فرهنگ طایفه‌کشی دارند اهمیتشان را از دست می‌دهند.» یکی از مسائلی که از نظر شکلی به کتاب ضربه وارد کرده، عدم تبدیل تاریخ‌های وقوع اتفاقات از میلادی به شمسی است. حتی به راحتی می‌شد معادل تاریخ وقوع اتفاقات که از قضا در کتاب کم هم نیستند را در پرانتز برای مخاطب فارسی‌زبان انجام داد تا خوانش متن و قرار گرفتن در فضای زمانی هر اتفاق راحت‌تر انجام شود. این در حالی است که در توضیح کوتاهی که در پشت جلد کتاب آمده، تاریخ‌ها به شمسی نوشته شده در حالی که در کتاب همه تاریخ‌ها میلادی است.

یکی از نکاتی که در نقد و بررسی شکلی این اثر می‌توان به آن اشاره کرد این است که تمامی پی‌نوشت‌های همه فصل‌های کتاب در پایان اثر آمده‌است. این تدبیر باعث شده که متن کتاب یکدست باشد و در خوانش آن اتفاق راحت‌تری صورت بگیرد. اما برای خواننده‌ای که بخواهد پی‌نوشت‌های کتاب را بخواند - که به نظر می‌رسد این کتاب یکی از آن آثاری باشد که خواندن پی‌نوشت‌ها در آن اهمیت زیادی دارد - آن‌گاه خوانش اثر با مشکلاتی همراه خواهد بود. شاید اگر در پایان هر فصل پی‌نوشت‌های مربوط به آن فصل قرار داده می‌شد، شرایط را برای خواندن راحت‌تر کتاب فراهم می‌آورد.

مسئله مهم دیگری که شاید بتوان آن را یکی از اساسی‌ترین مشکلات کتاب دانست - و احتمالاً می‌توان آن را در بخش مربوط به نقد و بررسی

محتوایی اثر نیز مطرح کرد - انتخاب زیرعنوان کتاب است. نام این کتاب در نسخه اصلی روزهای انقلاب؛ ناآرامی سیاسی یک روستای ایرانی (*Days of Revolution: Political Unrest in an Iranian Village*) است. در حالی که در ترجمه فارسی کتاب روزهای انقلاب؛ چطور زنان یک روستا در ایران انقلابی شدند آمده‌است. پس از خوانش کتاب، اولین مسئله‌ای که به ذهن خواننده می‌رسد این است که نویسنده قصدی برای پاسخ مستقیم به این سؤال نداشته؛ هرچند که در متن خود به مسئله زنان نیز پرداخته‌است. فارغ از بحث محتوایی به نظر می‌رسد انتخاب چنین زیرعنوانی برای کتاب بیشتر برای جذب مخاطب ایرانی بوده‌است و از این لحاظ می‌توان آن را در دسته نقد شکلی به این اثر قرار داد.

فصلنامه نقدکتاب

علم‌انشا

سال دوم، شماره ۵
بهار ۱۳۹۸

۲۹

بررسی و نقد محتوایی اثر

یکی از مهم‌ترین نکاتی که در اثر مری هگلند وجود دارد، این است که او در دوره‌ای در یک روستای ایرانی حضور داشته که شاید بسیاری از محققان غربی خواستار آن باشند که در این دوره حضور می‌داشتند. او به همراه زنان علی‌آباد در راهپیمایی‌های شبانه روستا شرکت کرده و آن‌گونه که خود در کتاب نقل می‌کند حتی برای راهپیمایی به شیراز سفر می‌کرده‌است. همین نفس حضور ۱۸ ماهه موجب شده که او روزهای منتهی به انقلاب، پیروزی انقلاب و ۹ ماه پس از آن را به چشم ببیند. روزهایی که تسخیر سفارت ایالات متحده در تهران نیز جزئی از آن است. احتمالاً اولین چیزی که به نظر مخاطب می‌رسد این است که مری هگلند این دوران را چگونه سپری کرده‌است. اما نویسنده ترجیح می‌دهد که خود و فرایند زندگی ۱۸ ماهه‌اش را در ایران و روستای علی‌آباد - جز جملاتی کوتاه در پیشگفتار و اشاراتی در درون متن - اتفاقات و حوادثی را که تجربه کرده به کناری بگذارد و به شکلی کاملاً جدی مشغول بحث کانونی خود یعنی «طایفه‌کشی» شود. یکی دیگر از نکاتی که درباره بحث محتوایی کتاب می‌توان به آن اشاره کرد برخی از توضیحاتی است که نویسنده در جای جای کتاب تلاش می‌کند آن را در ذیل مبحث «طایفه» مطرح کند. این بخش برخلاف مورد قبلی که می‌توانست برای خواننده‌ای با فرهنگ ایرانی جالب باشد، تکراری جلوه می‌کند. فهم مناسبات زندگی در یک روستا و توضیح آن برای خواننده انگلیسی‌زبان شاید مورد توجه باشد و بدون آن اطلاعات، درک مطلب واقعاً سخت می‌شود اما بخشی از این بحث‌ها برای خواننده فارسی‌زبان توضیح واضح‌تر به نظر می‌آید.

یکی از ویژگی‌های مهم این کتاب نظریه‌پردازی هگلند پیرامون فرایند سیاسی طایفه‌کشی است. این فرایند سیاسی آن‌گونه که نویسنده تأکید می‌کند «ظاهراً» در ۸ مرحله انجام می‌شود. مری هگلند معتقد است که در اولین مرحله فرایند سیاسی طایفه‌کشی «مردم کار می‌کنند تا پیوندهای مفیدی شکل دهند.» نویسنده در «روزهای انقلاب» و در توضیح این مرحله معتقد است تلاش سیاسی ادامه دارد، چه دوره‌ای از تقابل و درگیری آشکار باشد، چه نباشد. مردم به این فکر می‌کنند که چه نوع روابطی با چه کسی و در چه سطحی مصلحت است. آن‌ها تلاش می‌کنند تا پیوندها را طبق سودمندی مفروضشان ایجاد، تقویت، محدود یا حذف کنند. هگلند اشاره مهمی در این‌باره دارد و گویا علی‌آباد در نظر او همین رویکرد را داشته‌است: «آن‌ها سیاسی زندگی می‌کنند.» نویسنده در بیان دومین مرحله به جمع‌آوری منابع توسط یک مدعی اشاره می‌کند. رهبری بالقوه ثروت و اعتبار به دست می‌آورد و کم‌کم طرفدارانی برای خود دست‌وپا می‌کند، اقوام را بسیج می‌کند، از طریق ازدواج اتحادهایی به وجود می‌آورد و سعی می‌کند با استفاده از استراتژی‌ها و پیوندهای مختلف حامیانی جذب کند. در سومین مرحله بین مدعی و متصدی برخوردی به وجود می‌آید. مجموعه‌ای از برخوردها بین رهبر سیاسی در حال ظهور و گروهش با متصدی و گروهش رخ می‌دهد. در چهارمین مرحله متصدی اقدامی ظالمانه انجام می‌دهد. در مرحله بعد تعداد افراد طرف مقابل که عصبانی هستند افزایش می‌یابد. در ششمین مرحله مواجهه نهایی پیروزی مدعی را ثابت می‌کند. در این مرحله نزاع یا مواجهه‌ای اتفاق می‌افتد که حالا قدرت و حمایت بی‌سابقه‌ای برای مدعی، یا همان متصدی جدید، به همراه دارد. ممکن است تعرضاتی رخ بدهد و سنگرهایی که در ادامه بسته می‌شود (جمع‌آوری یا ناکامی در جمع‌آوری آن‌چه مال هر یک از طرفین است) نشان‌دهنده سطوح حمایتی و بنابراین موقعیت سیاسی خویشاوندان دو رهبر و پیروانشان است. در مرحله هفتم روستا تحت رهبری جدید متحد می‌شود. بقیه عجله می‌کنند که به جناح رهبری که به‌تازگی پیروز شده ملحق شوند. حامیان رهبر قبلی تلاش می‌کنند تا از طریق بسیج پیوندهای مختلف، خودشان را به نظم جدید بچسبانند. جامعه روستایی تحت رژیم جدید دوباره کنار هم قرار می‌گیرد. مخالف‌ها ساکت شده‌اند. در نهایت حتی نزدیک‌ترین حامیان رهبر برکنار شده نیز صلح را حفظ می‌کنند و رهبر جدید را می‌پذیرند، حتی اگر ناراضیتی واقعی‌شان را پنهان کنند. در مرحله آخر مردم، چه

آگاهانه و چه ناآگاهانه، سیاسی زندگی می‌کنند. مردم در زندگی روزمره، چه در محیط‌های بزرگ و رسمی و چه به‌شکلی کوچک و غیررسمی، از نظر سیاسی فعال هستند و روابطی را از طریق شبکه‌سازی، تبادل و تعامل اجتماعی ایجاد، حفظ، تقویت، محدود، حذف و تعلیق می‌کنند. آن‌ها دور هم جمع می‌شوند و اطلاعاتی پخش می‌کنند، در مناسک قدرت شرکت می‌کنند و تلاش می‌کنند تا دیگران را نسبت به دیدگاه‌ها، رهبر و گروه خودشان متقاعد کنند (ص ص. ۶۳-۶۶).

فصلنامه نقدکتاب

علم‌انشا

سال دوم، شماره ۵
بهار ۱۳۹۸

۳۱

طرح‌واره‌ای که هگلند برای نوع روابط سیاسی در علی‌آباد ارائه می‌دهد، به‌دنبال این است که بگوید دگرگونی اقتصادی پیش‌نیازی اولیه بود برای آن‌که روستاییان از محیط سیاسی روستا، که در دهه ۱۹۵۰، ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به‌شکل بی‌رحمانه‌ای سرکوبگر بود، بتوانند در قالب مشارکت بعدی در کشمکش انقلابی ظهور کنند. هگلند معتقد است با توجه به نوع دیدگاه‌ها در علی‌آباد، مناسبات سیاسی از قاعده‌ای خاص پیروی می‌کند. قاعده‌ای که شاید بتوان آن را در مناسبات زندگی روستایی در ایران بهتر درک کرد. اعضای روستا همواره در کنار هم زندگی کرده‌اند و در بود و نبود حکومت مرکزی آنان بوده‌اند که از دیدگاه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و حتی سبک زندگی یکدیگر را تأمین می‌کرده‌اند. آداب و رسوم روستا نیز در سایه همین مناسبات شکل گرفته و می‌تواند بازشناسی آن‌چه باشد که در علی‌آباد اتفاق افتاده‌است؛ یک رویکرد که هگلند از آن با عنوان «طایفه‌کشی» یاد می‌کند و از قضا شاید بتوان آن را به سایر مناطق ایران که جمعیت زیادی ندارند و پیوستگی‌ها بیشتر است نیز انتقال داد.

از سوی دیگر بخش مهمی از آن‌چه نویسنده آن‌ها را به‌عنوان کار میدانی بیان کرده حاصل مصاحبه‌ها به‌شکل تاریخ شفاهی و آن چیزی است که «اطلاعرسان‌ها» برای نویسنده نقل کرده‌اند. واژه «اطلاعرسان» در کتاب به کسانی گفته می‌شود که در حکم رساننده اطلاعاتی به نویسنده هستند که او در آن صحنه‌ها حضور نداشته یا نمی‌توانسته حضور داشته باشد. به این ترتیب بخشی از فرضیه‌هایی که هگلند آن‌ها را بیان کرده، می‌تواند مخدوش باشد. به‌خصوص که نتیجه‌گیری هگلند از فرایند سیاسی «طایفه‌کشی» محصول فرضیه سه واقعه‌ای است که بین سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۲ و پس از اصلاحات ارضی در روستای علی‌آباد اتفاق افتاده‌است.

جمع‌بندی و ارزیابی نهایی

هگلند تلاش می‌کند تا با کنار هم قراردادن وقایع و نوع خاص رویدادها، نظریه‌ای برای اتفاقات درون علی‌آباد را شکل دهد. نکته‌ای که به او آن توجه کرده از قضا زمینه را برای هر نوع اقدامی در نبود حکومت مقتدر مرکزی و در درون مناسبات خود روستا به‌نمایش می‌گذارد. با توجه به این‌که نویسنده بخش اول حضور خود در ایران را در خانه‌ی یکی از طایفه‌های عسکری‌ها می‌گذرانده و نیمه‌ی دوم و تقریباً بعد از انقلاب به حیاط دیگری نقل مکان می‌کند. احتمالاً بخش مهمی از بحث‌های مطرح‌شده توسط اطلاع‌رسان‌ها یا مصاحبه‌ها مربوط به این دوره‌ی حضور هگلند در علی‌آباد باشد. چون دقیقاً مشخص نمی‌کند که برخی از مسائلی که به‌صورت مستقیم در کتاب از زبان اهالی روستا پیاده‌سازی شده مربوط به چه بازه‌ی زمانی است، شاید بتوان به این نتیجه رسید که نظریه‌ی طایفه‌کشی محصول یک فرایند انسان‌شناسانه است که هویت در آن حرف اول را می‌زند و به تدریج از تقابلی که در سال‌های بعد اتفاق افتاده، نظریه‌ی شکل گرفته‌است. به عبارت دیگر می‌توان گفت این نظریه متأخر بر اتفاقات است. حال آن‌که هگلند پس از سفر دوباره به ایران و آن هم سی‌وچهار سال بعد به چنین نتیجه‌ای می‌رسد: «در علی‌آباد، علی‌رغم تغییرات زیاد اقتصادی، توسعه و مشارکت روستاییان در سیاست ملی، فرهنگ سیاسی علی‌آبادی‌ها - صفات و پارادایم فرایندی طایفه‌کشی و فعالیت‌های آن‌ها به شکل قابل توجهی پرورش نیافت. فرهنگ سیاسی سنتی با امکان‌ش برای تسلیم‌شدن و تغییر موضع (بسته به نتیجه‌ی مورد پیش‌بینی کشمکش) و طغیان (با هدف به‌دست‌آوردن قانون‌گذاری خیراندیش‌تر به‌جای دگرگونی عمیق سیستم) نفوذ خود را حفظ کرد.» (ص. ۴۴۲). هگلند معتقد است آن‌چه علی‌آبادی‌ها را به «طایفه‌کشی» پیوند می‌داد نیاز آنان به تأمین منابع و در نهایت تأمین معاش بود. از سوی دیگر او این مسئله را با احتیاج به یک رهبر قدرتمند درهم می‌آمیزد و از این رهگذر آن‌چه در علی‌آباد رخ داد را تحلیل می‌کند. شاید از منظر همین نگاه باشد که او در پایان کتاب ضمن اشاره به تغییر فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در علی‌آباد به تغییر نوع نگاه آنان از فرایند سیاسی طایفه‌کشی به اشکال دیگر خبر می‌دهد. چراکه درباره‌ی زندگی در ایران قرن بیست‌ویکم آن‌چه به چشم نویسنده و پژوهشگر آمریکایی آمده، عدم احساس نیاز برای ورود به «روابط وابستگی شبه فئودالی» است؛ چرا که آنان منابع خودشان را برای تأمین معاش دارند.

منابع

- Behnam, Djamchid. 1971. "Nuclear Families and Kinship Groups in Iran." *Diogenes* 76:115-131.
- Lambton, Ann. 1969a. *Landlord and Peasant in Persia. A Study of Land tenure and Land Revenue Administration*. London: Oxford University Press.
- Lambton, Ann. 1969b. *the Persian Land Reform, ۱۹۴۲-۱۹۶۶*. London: Oxford University Press.
- Loeffler, Agnes. 2013. *Health and Medical Practice in Iran. traditional Culture and Modern Medicine*. London: LB. taurus

فصلنامه نقدکتاب

علم‌انشا

سال دوم، شماره ۵
بهار ۱۳۹۸

۲۳